

معرفی نخستین ترجمهٔ رباعیات عمر خیّام به زبان اردو

علیم اشرف خان*

میرزا اسدالله خان غالب، شاعر معروف فارسی و اردو را، شارحین محترم شهرت دادند و حکیم ابوالفتح عمر خیّام را اروپاییان و مترجمین. اوّلین مستشرق، پرفسور تامس هاید، استاد زبان عربی و عبرانی در دانشگاه آکسفورد، حکیم عمر خیّام را در اروپا معرفی نمود. وان هیمر در سال ۱۸۱۸ میلادی ۲۵ رباعی از عمر خیّام را ترجمه نمود، گارسان دتّا سی در سال ۱۸۴۶ میلادی نیز چندین رباعی از عمر خیّام را ترجمه نمود. در سال ۱۸۵۹ میلادی فیز جیرالد اوّلین ترجمه رباعیات خیّام را چاپ کرد که موردِ پسند علاقه‌مندان و مشتاقانِ عمر خیّام واقع نشد، ولی بعداً همین چاپ آنقدر معروف و مقبول واقع شد که در سالهای ۱۸۶۲ میلادی حتّی به قیمت شصت پوند هم یافت نمی‌گردید. همین ترجمه در سالهای ۱۸۷۲ و ۱۸۷۷ میلادی تجدید چاپ شد.

*- استادیار فارسی دانشگاه دهلی، دهلی.

در سال ۱۸۶۷ میلادی جنرال جی.بی. نکولا نسخه دیگری از رباعیات خیّام را که دارای ۴۶۴ رباعی بود، به زبان فرانسه ترجمه کرد و همین ترجمه فرانسه را اف.بی. کارود به زبان انگلیسی برگرداند. پژوهش درباره رباعیات عمر خیّام ادامه پیدا کرد و در سال ۱۸۸۲ میلادی فیلد با ۲۵۳ رباعی از عمر خیّام با ترجمه، چاپ و منتشر کرد؛ ولی در سال ۱۸۸۳ میلادی وقتی همین ترجمه تجدید چاپ شد، تعداد رباعیات تغییر کرد و به جای ۲۵۳ رباعی حدوداً دو برابر یعنی ۵۰۰ رباعی از خیّام ترجمه شد. در سال ۱۸۹۶ میلادی سه ترجمه دیگر از دول، پین و امین هم چاپ شد.

حکیم عمر خیّام در بین محققین و دانشوران اردو زبان هم مورد توجه واقع گشته بود. مؤلف شعرالعجم، مولانا شبلی نعمانی، مولانا سید سلیمان ندوی، مولوی عبدالرزاق کانپوری، علامه عبدالباری آسی، ابوالنصر غلام یسین آه دهلوی^۱، دکتر ابوسلمان شاهجهانپوری و آغا شاعر قزلباش دهلوی، افرادی بوده‌اند که رباعیات عمر خیّام را به زبان اردو ترجمه نمودند یا تحقیقاتی در زمینه عمر خیّام انجام دادند. نگارنده در این مقاله «نخستین ترجمه رباعیات عمر خیّام به زبان اردو» را که شانزده سال قبل از ترجمه معروف فیز جیرالد انجام شده بود، معرفی می‌نماید.

مترجم آن مکهن لال، در سال ۱۲۶۰ هـ/ ۱۸۴۴ م. آن را تکمیل کرده است. مکهن لال یک نفر هندو از قوم کایستهه بود. جدّ امجدش ساکن شاهجهانپور (در ایالت اترپرادش کنونی هند) با نظام‌الملک آصفجاه اوّل به دکن آمده بود و الطاف و نوازشهای نظام‌الملک آصفجاه جدّ امجد مکهن لال را مجبور ساخت که در دکن مسکن گزیند. این خانواده شاهجهانپور حدوداً صد سال در دکن سکنی گزید و در دوران اقامت این خانواده، مکهن لال در سالهای ۱۲۲۵-۱۲۰۰ هـ/ ۱۸۱۰-۱۷۸۵ م. در دکن متولد شد. تحصیلات مقدماتی را در دکن فراگرفت و علوم متداوله عهد خویش را در

۱- برادر بزرگ مولانا ابوالکلام آزاد.

همین دیار فراگرفت. فارسی را هم آنجا آموخت و مهارت کامل پیدا کرد. ما اطلاع داریم که بعد از دگرگونی لکهنو که مرکز ایالت اترپرادش است، خانواده‌های محترم و امرا، لکهنو را خیرباد گفته و مستقلاً در دکن سکنی گزیده بودند. مکهن لال علاوه بر علم و دانش، در فن سپاهیگری هم دست داشته و در انتظامات و مهمات ملکی دکن به کمک راجدار خان مخاطب به قراول خان مشغول شد (راجدار خان شخصی بود با جنبه‌های گوناگون و تا به حال در مضافات آصف‌نگر محله‌ای به نام راجدار خان پیت در حیدرآباد موجود است).

مکهن لال مأمور دولت شد و پیشکار سواران گردید. وقتی سکندر جاه در سال ۱۲۳۴ هجری برای مدت دو سال در خانه قدیم آمده بود، همه مأموریت اسپ و سوار به مکهن لال مفوض گشت. معمول بود که مهاراجه چندو لال باج خود را با دست جمع‌داری به نام غوث خان به خدمت ظل سبجانی ارسال می‌داشت، ولی این غوث خان آدم بی‌سواد بود و ظل سبجانی امر داده بود که مکهن لال را به عنوان مسؤل باج انتخاب کنند. بعد از این امر، مکهن لال با ظل سبجانی نزدیک شد و در مدت اندک با سلیقه و حسن انتظام مقرب سلطان شده بود و تمام احکامات سلطانی که برای چندو لال می‌بود به دست مکهن لال تقدیم می‌شد. وفات سکندر جاه ۱۷ ذی‌قعدة ۱۲۴۴ هـ/ ۲۱ مه ۱۸۲۹ م. واقع شد. در عهد سلطان سکندر جاه، مکهن لال وکیل مطلق دولت آصفیه بود، حتی وی منشی دولت آصفیه هم بود که با دولت انگلیس مکاتباتی انجام می‌داد. سکندر جاه علاقه خاصی به مکهن لال داشت. شال مخصوصی هم به مکهن لال عنایت کرده بود.

پس از وفات سکندر جاه، ناصرالدوله سریرآرای سلطنت شد و مکهن لال مشاور کُل ناصرالدوله گردید و در جلوس ناصرالدوله، مکهن لال به خطاب «راجه» سرافراز شد و جاگیر و منصب خاص به او گردید. راجه مکهن لال سه زن گرفته بود؛ یکی از آنها تلجی بایی نام داشت که هیچ فرزندی از او زنده نماند. او یکی را فرزندخوانده

ساخت که بعداً وارث وی گردید. به نظر می‌رسد که در آخر عمر خود راجه مکهن لال به تصوف علاقه وافر نشان می‌داد.

راجه مکهن لال با کوتوال شهر به نام نواب طالب الدوله رفاقت خاص داشت و این روابط صمیمانه تا وفات راجه مکهن لال استوار بود، نیز در آخر عمر راجه مکهن لال پسر خود را به نواب طالب الدوله سپرده بود، ولی نواب طالب الدوله هم ۲۴ ربیع الاول ۱۲۶۵ هـ/ ۱۶ فوریه ۱۸۴۹ م. فوت کرد. راجه مکهن لال ترجمه رباعیات عمر خیام را به اردو، در ماه رجب ۱۲۶۰ هـ/ ژوئیه - اوت ۱۸۴۴ م. آغاز نمود. سال وفات راجه مکهن لال هم مشخص نیست. البته در مآخذ مختلف سال فوت راجه مکهن لال را در بین سالهای ۱۲۶۱ تا ۱۲۶۵ هـ/ ۱۸۴۵-۱۸۴۹ م. نگاشته‌اند، وی به علت بیماری و ناخوشی، چشم از جهان رنگ و بو فرو بسته بود.

راجه مکهن لال خوش اخلاق و نیک سیرت بود. گلزار آصفیه در مورد وی نوشته است:

”بسیار خلیق، با اوصاف مشهوره و معروفه موصوف بود با وجود خدمت لایق و معتبر که برای هیچ کس میسر نیست“^۱.

او تصنیفی در زبان فارسی به نام «تاریخ یادگار مکهن لال» به یادگار گذاشته است. این تاریخ حیدرآباد و احوال سلاطین آصفیه، امرای سلطنت آصفیه را نیز دربردارد. این کتاب بر ایامی منتظم الدوله چارلس میتکاف^۲ ۱۲۳۶ تا ۱۲۴۲ هـ/ ۲۱-۱۸۲۰ تا ۲۷-۱۸۲۶ م. در سال ۱۲۴۲ هـ/ ۲۷-۱۸۲۶ م. تکمیل و طبع شده است. کارنامه دوم راجه مکهن لال همین ترجمه رباعیات عمر خیام به زبان اردو و در قالب رباعی است. این را راجه مکهن لال در ماه رجب سال ۱۲۶۰ هـ/ ژوئیه - اوت ۱۸۴۴ م. آغاز نمود و این کتاب، آخرین یادگار اوست.

۱- خانزمان خان دهلوی، غلام حسین: گلزار آصفیه، به اهتمام رستم علی صاحب، حیدرآباد دکن.

۲- نماینده مقیم انگلیس در مستعمرات.

راجه مکهن لال اولین کسی است که رباعیات عمر خیّام را به زبان اردو در هند ترجمه و معرفی کرده است. ما می دانیم که کار ترجمه بس دشوار است و اگر شعر را به شعر ترجمه کنیم این کار سخت تر و دشوارتر است. برای یک مترجم لازم است که زبان متن و زبان ترجمه، هر دو را، به نحو احسن بداند که خواننده زبان ترجمه، متوجه نشود که این ترجمه است و همین امر موفقیت یک مترجم است و ترجمه رباعی به زبان دیگر و در قالب رباعی تبخّر علمی و کمال و هنر مترجم را نشان می دهد؛ ولی این کار بدون آزادی در ترجمه ممکن نیست. آقای فیز جیرالد همین آزادی را به نحو بهتری در ترجمه رباعیات عمر خیّام به کار برده است. وقتی یک مترجم روح و مفهوم و معنی زبان اصلی (متن) را به زبان دیگر منتقل می کند، آیا می توانیم آن را خلاقیت وی حساب کنیم یا خیر؟ ولی حق این است که اگر مترجم موفق شود، کار ترجمه وی یک تصنیف جداگانه می شود و آن را می توان تصنیف دیگر حساب کرد و کار مترجم را می توان «نقش ثانی» و «ترجمانی عواطف و احساسات شاعرانه» تلقی کرد.

راجه مکهن لال در ترجمه خود نفس مضمون خیّام را به رباعی اردو به طوری منتقل نموده است که روح و اساس پیغام عمر خیّام در رباعیات اردو هم دیده می شود. کار مترجم اردو برای ترجمه شعر فارسی واقعاً پُرخطر است، به این دلیل که گاهی اوقات واژه های فارسی و اردو باهم مشترک اند، ولی معنی و مفاهیم آن از زمین تا آسمان فرق می کند.

ویژگیهای ترجمه راجه مکهن لال

۱- شاعر و مترجم راجه مکهن لال سعی نموده است که آن را مصرع به مصرع به اردو ترجمه نکند. به جای این، مترجم فکر و تخیل را با عاطفه درونی و با احساسات منتقل نموده است.

- ۲- در رباعیاتی که واژه‌های معادل اردو هم به همان معنی مستعمل است، کار برای شاعر و مترجم آسان گردیده است و در این مواقع یک احساس روانی در ترجمه آن دیده می‌شود.
- ۳- گاهی اوقات مترجم واژه‌های مناسب و قریب‌المعنی و مترادفات را طوری به کار برده است که معلوم می‌شود که رباعی تازه‌ای پدید آمده است.
- ۴- مترجمین معمولاً عادت دارند که وقتی ترجمه می‌کنند، واژه‌های مترادف، ضرب‌المثلها و زبان محاوره را در ترجمه طوری مخلوط می‌کنند که از اصل قضیه دور می‌شوند، ولی ترجمه راجه مکهن لال از این عیوب پاک است و ترجمه وی در زبان ساده و روان انجام شده و اصل را دقیقاً نگاهداشته است.
- ۵- زبان ترجمه، زبان عموم مردم دکن نیست، البته زبانی هست که در اشراف مستعمل بوده و اکثراً طبقه با سواد از زبان دهلی و یا از زبان لکهنو (که هر دو زبان معیار و استاندارد بود) استفاده می‌کردند.
- ۶- اندازه بیان مترجم شسته و رفته است و عناوین، مثل: بی‌ثباتی دنیا، ترغیب خوشدلی، توصیف شراب، مسئله جبر و اختیار را مترجم به نحو احسن در ترجمه خود گنجانیده است.
- ۷- عناوین مذکور خیلی مورد پسند عمر خیام بوده و برای هر عنوان چندین رباعی سروده است که برای مترجم این کار سخت دشوار است، ولی راجه مکهن لال در ترجمه این عناوین مذکور هم موفق شده است.
- ۸- مترجم هندی ما نسبت به مترجمین زبانهای دیگر احساسات و عواطف عمر خیام را به صورت کاملتری در ترجمه خود جا داده است و همین ارفع‌ترین موفقیت مترجم هندی به شمار می‌آید.

نسخه خطی راجه مکهن لال

نسخه خطی این رباعیات در کتابخانه آصفیه تحت شماره [ی ۸۵۰] در دواوین اردو نگهداری می‌شود. این نسخه در ماه جمادی‌الثانی سال ۱۲۶۷ هـ/آوریل ۱۸۵۱ م. استنساخ شده است. این اثر به نام «ترجمه رباعیات عمر خیّام به زبان دگهنی» در کتابخانه محفوظ است و دارای ۳۲۳ رباعی است.

عمده‌ترین نقص این ترجمه همین است که مترجم رباعی اردو را بدون ذکر رباعیات فارسی ترجمه کرده است و ترجمه مترجم ما آزادانه انجام شده است؛ بدین دلیل دسترسی به اصل رباعی عمر خیّام خیلی گیج‌کننده و گاهی اوقات دشوار به نظر می‌رسد.

راجه مکهن لال در دیباچه مترجم یادآور شده است:

”این حقیر نو مشق سخن، از ملتها پیش آرزومند بود که در وقت فرصت، رباعیات عمر خیّام را به زبان اردو ترجمه کند. خلاصه و معانی و مفاهیم آن را به رشته تحریر درآورد، ولی راقم سواد نداشت که این مطلب را به زبان ریخته، منتقل کند. در ماه رجب‌المرجب ۱۲۶۰ هـ/ژوئیه - اوت ۱۸۴۴ م. این کار را به عهده گرفته و به خدمت سخنوران و صاحبان علم التماس دارد که به ترجمه راقم نگاه معطوف‌کنند و اصلاح بفرمایند و اگر از بنده خطایی یا لغزشی دیدند، عفو کنند“^۱.

مهم‌ترین امتیاز ترجمه راجه مکهن لال همین است که نخستین و کامل‌ترین ترجمه رباعیات عمر خیّام به زبان اردو است. بنابه تذکر قبلی جناب آقای وان هیمر در سال ۱۸۱۸ میلادی، ۲۵ رباعی را ترجمه نمودند و جناب آقای فیز جیرالد در سال ۱۸۵۹

۱- دیباچه از راجه مکهن لال.

میلادی، رباعیاتِ خیّام را ترجمہ نمود، ولی راجہ مکّھن لال در سال ۱۲۶۰ھ/۱۸۴۴م، حدوداً پانزدہ سال قبل از مترجم شہیر، آن را ترجمہ نمودہ است۔
 ہمین نسخہ مذکور را جناب آقای دکتر محمد تقی الدین احمد، بہ نام «نذر خیّام»، با مقدمہ مفصّل (حدوداً ۵۰ صفحہ) و با دیباچہ مترجم، در سال ۱۹۵۸ میلادی در حیدرآباد چاپ و منتشر کردہ است۔
 بندہ بہ طور نمونہ ۵ رباعی عمر خیّام را با ترجمہ اردوی رباعی راجہ مکّھن لال نقل می‌کنم^۱:

ردیف	رباعی	ترجمہ
۱-	آمد سحری ندا ز می خانہ ما کہ ای رند خراباتی و دیوانہ ما برخیز کہ پُرکنیم پیمانہ ز می زان پیش کہ پُرکنند پیمانہ ما	دے باؤ سحر نوید دیوانے کو یعنی دلِ مے گار و متانے کو اُٹھ بھرلیں بعشقِ دوست ساغر اپنا اُن سے آگے بھریں جو پیمانے کو
۲-	گر یارِ منند ترکِ طامات کنند غمہای مرا بہ می مکافات کنند چون درگذرم خاک مرا خشت کنند در رخنہ دیوارِ خرابات کنند	گر دوست ہو تم تو یہ عنایات کرو غم کا مرے جام سے مکافات کرو مرجاؤں تو خاک سے بنا خشتی چند تعمیر خرابہ خرابات کرو

۱- نذر خیّام، رباعیاتِ خیّام کا اولین ترجمہ از راجہ مکّھن لال مع مقدمہ از دکتر محمد تقی الدین احمد، اعجاز پرنٹنگ پریس، حیدرآباد، ۱۹۵۸ م، ص ۲۲۔

-۳	<p>یک جرعه می مُلکِ جہان می‌ارزد خشتِ سر خُمِ ہزار جان می‌ارزد آن کہنہ کہ لب بمی ازو پاک کنند حقا کہ ہزار طیلسان می‌ارزد</p>	<p>یک جرعه مکمل جہان سے بہتر خشتِ سر خم ہی سوزیان سے بہتر وہ صافی کہ جس سے لے کے صاف کریں ہم کو وہ ہزار طیلسان سے بہتر</p>
-۴	<p>ناکردہ گناہ در جہان کیست بگو آن کس کہ گنہ نکرد چون زیست بگو من بد کنم و تو بد مکافات دہی پس فرق میان من و تو چیست بگو</p>	<p>ہے کون بشر جہاں میں ناکردہ گناہ کر مجھ کو اے کریم اس سے آگاہ تو ہم سے اگر بدی کا بدلہ چاہے پھر فرق نہ کچھ رہے گا واللہ واللہ</p>
-۵	<p>با بادہ‌نشین کہ مُلکِ محمود اینست وز چُنکِ شنو کہ لحن داود اینست از آمد و رفتہ دگر یاد مکن حالی خوش باش زانکہ مقصود اینست</p>	<p>عشق کی پی کہ مکمل محمود ہے یہ اور چُنک سے سُن کہ لحن داؤد ہے یہ دھوکا ہی عزیز رنج دنیا نہ اٹھا رکھ دل کو تو خوش جہاں کا مقصود ہے یہ</p>

منابع

۱. خانزمان خان دہلوی، غلام حسین: گلزار آصفیہ (تاریخ قطبشاہیہ)، بہ اہتمام رستم علی صاحب، حیدرآباد دکن، ۱۳۰۸ ہجری۔
۲. خیام نیشابوری، عمر خیام: نذر خیام، رباعیات خیام کا اولین ترجمہ از راجہ مکھن لال مع مقدمہ از دکتر محمد تقی الدین احمد، اعجاز پرنٹنگ پریس، حیدرآباد، ۱۹۵۸ م۔
